

## بررسی حکم فقهی «رانت» در قلمرو تربیت اقتصادی<sup>۱</sup>

□ حمید شیخی \*\*

□ محسن ملک افضلی اردکانی \*\*\*

□ سید علیرضا حسینی \*\*\*\*

### چکیده

«رانت»، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین انحرافات اقتصادی در جوامع مختلف، به‌شدت در کندی روند توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار است. هدف این پژوهش، بررسی حکم «رانت اقتصادی»، از منظر فقهی است که تبعات گسترده‌ی اجتماعی دارد و تأثیرات آن بر اخلاقیات جامعه، امنیت، ثبات و آرامش جامعه و مردم قابل توجه است و خود آن، متأثر از وضع تربیت اقتصادی جامعه است. با تحلیل ادله ممنوعیت «رانت اقتصادی» و توجه به تأثیرات مخرب و آسیب‌های ناشی از آن در ابعاد مختلف اخلاقی و اجتماعی، لزوم ارائه روش‌ها و راهکارهای تربیتی، برای مواجهه صحیح با این مسأله روشن می‌شود. سؤال پژوهش حاضر، این است که حکم فقهی استفاده از «رانت اقتصادی» و رهیافت تربیتی، در مواجهه با آن چیست؟

روش پژوهش در این مقاله، از نوع «توصیفی و تحلیلی» است که با مراجعه به منابع فقهی و تحلیل ادله جهت استنباط حکم «رانت خواری» انجام می‌شود. ادله نقلی نظیر حرمت ظلم، حرمت اکل مال

---

\* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵.

\*\* دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران:

(h.sheykhi<sup>۵۲</sup>@gmail.com)

\*\*\* گروه حقوق، جامعه المصطفی العالمیه و مدرس مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات، ایران:

(نویسنده مسئول): (mohsenmalekafzali@yahoo.com)

\*\*\*\* گروه فقه و مبانی حقوق، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران: (seyd<sup>۱۵۰</sup>@gmail.com)

به باطل، حرمت اثم و عدوان و حرمت تبعیض بر عدم مشروعیت «رانت»، دلالت دارد. گسترش «رانت»، موجب اختلال در نظام زندگی اجتماعی و سیاسی، ایجاد فاصله طبقاتی و پایمال ساختن حقوق افراد است. راهکار مناسب جهت مقابله با مسأله «رانت خواری»، در بعد ایجابی ترویج آموزه‌های قرآنی، توسعه آگاهی نسبت به حقوق اجتماعی دیگران، تقویت تمایل به عدالت ورزی و تسهیل انجام و اصلاح رفتار اخلاقی و در بعد سلبی مبارزه با زمینه‌های انحراف، نظارت و بستن روزنه‌های شیوع فساد و جرم‌انگاری و مجازات انحرافات رانتی است.

**واژگان کلیدی:** حکم فقهی، حرمت، تربیت اقتصادی، رانت خواری، جرم‌انگاری.

### مقدمه

انسان برای رفع نیازهای خود، همواره به دنبال کسب منافع و تصاحب امکانات و قدرت بیشتر و در رقابت با دیگران است. این رقابت بر سر کسب منافع بیشتر، به صورت جدی‌تر و پیچیده‌تری در جوامع امروزی پدیدار شده و آسیب‌های گوناگون ایجاد کرده است. «رانت خواری»، محصول فضای رقابت بر سر امکانات محدود است که امروزه با توجه به رواج گسترده‌ی آن، گاه امری عادی تلقی شده و تحت برخی عناوین عامه‌پسند قرار گرفته است. «رانت» و زمینه‌های ایجاد آن، نظام اداری و اقتصادی جوامع را در موارد بسیاری مختل می‌سازد و موجب تضعیف تولید سرمایه مشروع و بی‌عدالتی در توزیع آن، می‌گردد. این، در حالی است که جهت‌گیری کلان اقتصاد در شریعت اسلام، تأمین رفاه عامه و رفع فقر و محرومیت‌های اجتماعی است. تعالیم اخلاقی و تربیتی اسلام در زمینه اقتصاد از آموزه‌های اقتصادی صرف، جدا نیست؛ اسلام در صدد است آحاد جامعه اسلامی با پرورش مناسب، پس از آشنایی با موازین شرعی تجارت و کسب و کار و به‌کار بستن حدود شرعی روابط اقتصادی، از درون ساخته شوند و در نتیجه هنگامی که به فعالیت پرداختند، علاوه بر اینکه اقتصاد را به درجه بالایی رشد و شکوفایی می‌رسانند، در مسیر کمال قدم‌های بزرگی بردارند (ملک‌افضلی و یزدان‌شناس، ۱۳۹۳).

برخی از اندیشمندان، بر این باورند که به‌واسطه ماهیت «رانت خواری» و ملزومات ارتکاب آن، شاهد تنزل فرهنگ اخلاقی، نقص عدالت و شایسته‌سالاری، توسعه و تکثیر جرائم، به‌ویژه جرائم اقتصادی نظیر ارتشا و رشوه، تحصیل مال نامشروع، پول‌شویی، احتکار، زمین‌خواری و

اختلاس و... خواهیم بود؛ ولذا، شایسته است در سه جهت فرهنگ‌سازی، حذف زمینه‌های رانتی و جرم‌انگاری، با این پدیده مقابله مؤثر شود (اکبرآبادی اسماعیل و همکاران، ۱۴۰۰) نتایج پژوهشی درباره چالش‌های «رانت» و فساد سیاسی برای جامعه مطلوب اسلامی با توجه به آرای امام خمینی نشان داد، تبعات شیوع «رانت» شامل برهم خوردن تعادل در نظام اسلامی، افزایش فاصله طبقاتی، گسترش محرومیت، نادیده گرفتن حاکمیت قانون و از همه مهم‌تر، نادیده گرفتن احکام شرع و اصول اخلاقی است که همگی چالشی برای تحقق جامعه مطلوب اسلامی محسوب می‌شوند (درویش نوری کلاکی، عارف‌نیا و سلیمی، ۱۴۰۰). محققین دیگری، در بررسی شاخصه‌های اقتصاد سالم در سیره علوی، به این نتیجه رسیده‌اند که اقتصاد سالم و آرمانی، اقتصادی است که معیارهایی همچون پرهیز از اسراف‌کاری، خوداتکایی و پی‌ریزی اقتصاد عادلانه طبق ضوابط اسلامی و مبارزه با «رانت‌خواری» را داشته باشد که اگر این شاخصه‌ها در حکومت اسلامی رعایت شوند، جامعه به سوی سعادت و کمال گام برمی‌دارد (معتد لنگرودی و پرویش، ۱۳۹۸).

باتوجه به اینکه انسان همواره در صدد دریافت و کسب منفعت و سود بیشتر است و مسائل اقتصادی نیز، از دایره منفعت‌طلبی انسان خارج نیست؛ شهوت سیری‌ناپذیر انسان، او را به انحراف از مسیر درست کشانده، سبب شیوع «رانت‌خواری» در جامعه می‌شود؛ لذا، لازم است حکم شرعی توسط به «رانت» در فعالیت‌های اقتصادی بررسی شود که مطابق ادله و مستندات فقهی، انحراف به سمت رانت اقتصادی، چه حکمی دارد؟ آسیب‌های شیوع «رانت» در جامعه، در ابعاد مختلف چیست؟ راهکارها و تدابیر تربیتی اقتصادی، برای مواجهه با موقعیت‌های گرایش به «رانت» چیست؟ در ادامه، این پژوهش با استفاده از آموزه‌های قرآن کریم، احادیث امامان شیعه و منابع علمی معتبر، پاسخ به سؤالات مذکور را می‌پژوهد.

### مفهوم‌شناسی

«رانت» در لغت، به هرگونه عایدی و درآمد حاصل از سرمایه، خانه و غیره، گفته می‌شود (پارسا یار، ۱۳۹۹). این واژه، در معانی بهره مالکانه، کرایه و اجاره گرفتن اشیا نیز، به کار می‌رود

(کبریانی، ۱۳۹۲) اقتصاددانان کلاسیک، «رانت» را، هر نوع درآمد بدون زحمت می‌دانستند، در علم اقتصاد امروز، «رانت» درآمدی است که بدون تلاش به دست می‌آید و به هرگونه عواید و درآمد مازاد بر هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته و به‌اضافه درآمد یک عامل تولید نسبت به درآمد همان عامل تولید، در شرایط رقابتی کامل، اطلاق می‌شود (می‌دری، ۱۳۷۳). «رانت»، معمولاً به دلیل تعصبات و ارتباطات نزدیک با قدرتمندان و سیاستمداران، به وجود می‌آید.

«رانت‌خواری» را می‌توان، کسب و دریافت منافع و سودهای مالی و حتی غیرمالی بدون تلاش، بدون استحقاق و بدون داشتن پشتوانه تولیدی از طریق رابطه بازی، لابی‌گری، رشوه، ایجاد انحصار، تصویب قوانین حمایتی و اجرای سیاست‌های تبعیض‌آمیز دانست که فرد یا افرادی با استفاده از نفوذ سیاسی یا اقتصادی، به‌صورت غیرقانونی، به منابع مالی دست پیدا می‌کنند و به کسب ثروت می‌پردازند.

### ادله حرمت «رانت‌خواری»

اتخاذ شیوه‌های مختلف کسب درآمد و منافع، نتایج متناسب و مهم اخلاقی و معنوی دارد و چنانچه با ابزار نامشروع، درآمد حرام کسب شود، خوردن حتی یک لقمه آن، نسل انسان را به انحطاط اخلاقی می‌کشاند (کلینی، ۱۳۶۵؛ ۱۲۵/۵)؛ بادقت در آیات و روایات و باتوجه به اینکه امور مالی و اقتصادی در جامعه امروز، بخش وسیعی از زندگی افراد را تحت تأثیر قرار داده، لزوم توجه به «عفت اقتصادی» از رأس هرم حکومت تا پائین‌ترین اجزای آن، روشن می‌شود که باعث سالم ماندن فعالیت‌های اقتصادی در کشور، خواهد شد (اشجعی خامنه، ۱۳۹۹).

مقام معظم رهبری، در خصوص حرمت «رانت» و «رانت‌خواری» به کلام ذیل از حضرت امیر علیه السلام استناد نموده «انصف الله و انصف الناس من نفسک و من خاصة اهلک و من لک فیه هوی من رعیتک» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۳۶۸)؛ (و آن را چنین شرح داده‌اند که) «درباره خودت، درباره‌ی دوستان و خویشاوندان و رفقای خودت، رعایت انصاف را در قبال مردم و خدا بکن؛ یعنی اختصاص و امتیاز به آنها نده؛ یعنی همین چیزی که دوستان عزیز فرنگی‌مآب ما به آن «رانت‌خواری» می‌گویند؛ یعنی امتیاز ویژه. اینها شکاف‌ها و دره‌ها و حفره‌هایی است که وقتی

به وجود آمد، هرچه شما دستاورد داشته باشید و در آن بریزید، آنها را پر نمی‌کند؛ دستاورد هم از بین می‌رود؛ لذا، در قدم اول، باید اینها را علاج کرد. این فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام است: «من لک فیه هوی من رعیتک»؛ به رفقا و نزدیکان و آدم‌هایی که دوستشان داری، نباید امتیاز ویژه بدهی؛ همه باید یکسان امتیاز ببرند. امتیازی که هست، باید در اختیار همه قرار گیرد. اگر بناست قرعه‌کشی شود، اگر بناست سقف باشد، درعین حال نباید برای کسی امتیازی وجود داشته باشد» (مقام معظم رهبری، دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ <https://khl.ink/f/> (۷۶۷۰)).

«رانت‌خواری»، از طریق ضربه‌های مخربی که به اقتصاد و معیشت جامعه وارد می‌کند، باعث دوقطبی شدن فقیر و غنی، در جامعه و خانواده می‌گردد و فقر، ارزش‌های دینی و اخلاقی را کم‌رنگ می‌کند و حتی، باعث از بین رفتن دین و فساد و اضمحلال اجتماع می‌گردد.

«رانت‌خواری» از افعال ناپسندیده و مرجوح است که تبعات و آسیب‌های ناشی از آن، قلمروی گسترده‌ای را در بر می‌گیرد؛ بر همین اساس، احکام مربوط به توسعه و رواج آن از منظر روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، حقوقی و فقهی و تربیتی، نیازمند بررسی است؛ با توجه به اهمیت بررسی فقهی و تربیتی تمسک به «رانت»، از حیث نقش‌آفرینی، در پیشگیری از توسعه و نیز، بیان مسئولیت کارگزاران حکومتی، در مبارزه با «رانت» در سطوح مختلف، مسأله این پژوهش است؛ در بررسی فقهی ادله حرمت «رانت‌خواری»، به دو دسته ادله نقلی و عقلی استناد می‌شود.

ادله نقلی دال بر حرمت «رانت‌خواری» در کتاب و سنت، شامل برخی عمومات قرآنی و نیز، روایات است که به‌اختصار، عبارت‌اند از ادله نفی ظلم بر عباد، حرمت اکل مال به باطل، حرمت اعانه و تعاون بر اثم، تبعیض، لزوم رعایت انصاف، حرمت استفاده از روابط و همچنین قاعده «لاضرر» که در ادامه، به آنها پرداخته می‌شود.

### ۱. نهی از ظلم بر عباد

از دیدگاه عقل، اعمال از یک منشأ سرچشمه می‌گیرند؛ یعنی یا از منشأ حسن، سرچشمه گرفته، حسن ذاتی دارند و یا واجد سرمنشأ قبیح هستند؛ سرسلسله‌ی دسته‌ی اول اعمال، حسن عدل و عدالت است و سرمنشأ اعمال دسته‌ی دوم، ظلم است که قبیح است؛ قبیح ظلم، حکم

مستقل عقل است. «رانت خواری» که ذیل ظلم قرار می‌گیرد، از نظر عقل قبیح و مطرود است، طبق قاعده «کلما حکم به العقل حکم به الشرع»، حکم عقل مورد تأیید شرع نیز، هست؛ به خصوص در آموزه‌های شرع نیز، حرمت ظلم و ستم و تجاوز به حقوق مردم بیان شده که شامل مصادیق متعدد، از جمله «رانت خواری» است.

خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا». (جن: ۱۵) «وَمَنْ يُظْلَمِ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا»؛ (فرقان: ۱۹) در کنار آیات فوق، آیات دیگر قرآن، نظیر آیه‌های ۲۷۹ بقره، ۱۸۳ شعراء، ۱۵۲ انعام، ۷۷ قصص نیز، از ارتکاب ظلم نهی نموده و وعده عذاب الهی بیان شده که بر حرمت ظلم به دیگران، دلالت دارد؛ ظلم و فساد در آیات فوق، اطلاق دارد؛ مخاطبان قرآن، باید از هر نوع ظلم و فساد اجتناب نموده و به رعایت عدالت و انصاف و حفظ حقوق دیگران، پایبند باشند؛ اطلاق آیه شریفه، در کنار سیاق برخی آیات که به خصوص در مقام تعیین وظایف افراد در مبادلات اقتصادی است، بر حرمت مصادیق مختلف ظلم و فساد، از جمله «رانت خواری» که نادیده گرفتن حق الناس و ظلم در حق دیگران است، دلالت دارد. روایات متعددی نیز، حرمت ظلم به دیگران را بیان نموده که مسأله محل بحث، یکی از مصادیق آن است. در ادامه به برخی از این روایات، اشاره می‌شود:

۱. نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر: «وَمَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ وَمَنْ حَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْحَصَّ حُجَّتَهُ وَكَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَنْزِعَ وَيُتُوبَ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ (عَلَى ظُلْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ دَعْوَةَ الْمُضْطَهَّدِينَ وَ هُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ)» (نهج البلاغه، ص ۳۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۴۰۴/۳۳؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۱۲۸).

۲. روایت نبوی: «إِيَّاكُمْ وَ الظُّلْمَ؛ فَإِنَّ الظُّلْمَ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ ظُلْمَاتُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (صدوق، خصال: ۱/۱۷۶).

۳. روایت نبوی: «يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: اسْتَدَّ غَضَبِي عَلَى مَنْ ظَلَمَ مَنْ لَا يَحِدُّ نَاصِرًا غَيْرِي» (طوسی، الأمالی، ص ۴۰۵).

۴. روایت علوی؛ امام علی علیه السلام: «بِئْسَ الرَّأْدُ إِلَى المَعَادِ العِدْوَانُ عَلَى العِبَادِ» (صدوق، الأمالی، ص ۴۴۶).

۵. امام باقر علیه السلام: «عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَمَّا حَضَرَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عِ الْوَفَاةَ - ضَمَّنِي إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ - يَا بُنَيَّ أَوْصِيكَ بِمَا أَوْصَانِي بِهِ أَبِي حِينَ حَضَرْتَهُ الْوَفَاةَ - وَبِمَا ذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ أَوْصَاهُ بِهِ قَالَ يَا بُنَيَّ - إِيَّاكَ وَظُلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ» (عاملی، ۱۴۰۹: ۴۸/۱۶). طبق این روایت امام حسین علیه السلام به امام سجاد علیه السلام می فرماید که فرزندم! از ستم بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد، بپرهیز.

روایت نخست، در مجموعه احادیث نقل شده، نامه حضرت امیر علیه السلام، به مالک اشتر است که سند آن، قابل تصحیح و معتبر است. برانگیختن خشم و غضب و جنگ با خداوند و نیز، جلب سخط و نقیمت خداوند، مجموعه تأکیدی است که در روایت وجود دارد و فراتر از مرجوحیت، می تواند برحمت دلالت داشته باشد. علاوه بر آن، در روایات بعد که می تواند مؤید روایت نخست باشد، از ظلم و ستم بر بندگان خدا، برحذر داشته شده است.

## ۲. حرمت «اکل مال به باطل»

نهی از اکل مال به باطل، از عمومات قرآنی است که بر حرمت «رانت خواری»، دلالت دارد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء: ۲۹).

از دیدگاه مفسران، «اکل مال به باطل» یا «خوردن مال حرام»، هرگونه تصرف و تسلط بر مالی است که از راه غیر شرعی به دست آید؛ درحالی که ممکن است آن مال را، به ظاهر نخورد (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۴/۳۱۸).

مرحوم طبرسی در مجمع البیان، روایتی از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده که طبق آن قمار، ربا، فریب دادن مشتری و ظلم به او را جزء موارد کسب «مال باطل»، بیان کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵۹/۳).

از دیدگاه فقها، خدای متعال در این آیه شریفه، جواز اکل مال غیر را، منحصر به «تجارت عن تراض» نموده است (خویی، مصباح الفقاهة: ۴/۲۸۹). بنابراین، تمام اقسام اکل مال مردم، از هر طریقی که باشد به جز آن قسمی که به سبب «تجارة عن تراض» باشد، از نظر شرعی، جایز

نیست؛ در نتیجه، اسباب جواز تملک مال، نظیر قمار و... سبب جواز تملک نیست (اراکی، کتاب البیع: ۱/ ۷۸ و ۷۹). درباره معنای «اکل مال به باطل»، برخی از فقها، چنین نگاشته‌اند که «معنی اکل مال به باطل این است که انسان بدون دلیل منطقی و عقلی، درآمدی داشته باشد و به عبارت دیگر اکل مال به باطل، درآمد بی جهت و بادآورده است» (مکارم شیرازی، ربا و بانکداری اسلامی، ص ۳۲) این معیار، شامل کسب از راه قمار و نظیر آن می‌شود که «اکل مال به باطل» است، چون درآمدی است بدون دلیل منطقی و شرعی؛ چون نه خدمتی به فرد است نه جامعه، بلکه کاری است که به فساد و ننگ و خرابی فرد و جامعه منجر می‌گردد. این امر، به‌عنوان يك اصل کلی، در تمام ابواب معاملات اسلامی، جاری است (همان، ص ۳۲) و شامل کسب درآمد از طریق «رانت‌خواری» نیز، می‌شود.

با این توضیح، روشن می‌شود که انواع ابزار معاوضه و کسب درآمد مشروع، شامل خرید و فروش، رهن و اجاره و غیر آن است که توأم با رعایت شرایط، از جمله آگاهی و رضایت طرفین انجام می‌گیرد؛ ولذا، اکل مال از طریق «رانت‌خواری»، حيله‌گری، اجبار و اکراه، مجاز نیست؛ چون شرط مذکور در آیه شریفه: «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» که رضایت طرفین است، رعایت نشده است؛ «اکل مال به باطل» در آیه شریفه، به تمام ابزارهای نامشروع کسب منافع اطلاق دارد؛ یعنی اموالی که از راه ظلم، غصب، خیانت، تعدی و تبعیض حاصل می‌گردد، معیار رضایت طرفین را ندارد و در قلمرو داد و ستد مشروع نیست. براین اساس، «رانت‌خواری» مصداق «اکل مال به باطل» است؛ چراکه، معمولاً به صورت مخفیانه و بدون علم و اطلاع عموم افراد ذی نفع، انجام می‌گیرد و جلب رضایت دیگران، در آن مراعات نشده است.

### ۳. حرمت «إِثْم و عِدَاوَن»

«وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ و بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تعدی و حرام‌خواری خود شتاب می‌کنند واقعاً چه اعمال بدی انجام می‌دادند» (مائده: ۶۲)

إِثْم و عِدَاوَن، از محرمات است؛ مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان، در بیان مقصود از «إِثْم»



و «عدوان»، چنین نگاشته که بنابر یک دیدگاه، «إثم»، کفر و «عدوان»، تعدی از حدود است و بنابر دیدگاه دیگر که اولویت دارد، منظور از «إثم»، انجام هر گناهی است و منظور از «عداون»، ظلم است؛ یعنی در ظلم به مردم شتاب می‌کنند؛ در جرائم و گناهایی که موجب خسران است (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۳/ ۳۳۵) مرحوم علامه در المیزان، درباره ارتباط امور ثلاثه یعنی «إثم» و «عداون» و «أکل سحت» که در آیه شریفه بیان شده، معتقد است که موارد مذکور، شامل گناهان قولی و فعلی است؛ گناه مربوط به کلام، گناه قولی است و گناه مربوط به عمل، گناه فعلی است و این گناهان، گاهی بین گنهکاران و مؤمنین است که تعدی نسبت به مؤمنین است و گاهی به خود شخص مربوط است؛ مثل «أکل به باطل» که همان ربا یا رشوه و مانند آن است؛ همه این موارد، طبق ذیل آیه شریفه، مذموم است «لَيْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (علامه طباطبایی، المیزان، ۳۱/۶) بنابراین، در آیه شریفه گناه و معصیت از ابعاد مختلف مدنظر قرار گرفته که برخی اشکال آن، گناه فردی است و برخی اشکال آن، گناه اجتماعی در ارتباط با حقوق دیگران است.

از منظر فقها، «عدوان» به معنای ظلم حرام است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۰/ ۱۴) فعلی که ظالمانه بودن آن، معلوم است (کرکی، ۱۴۱۴: ۲۰۸/۶) «عدوان» در باب معاملات، ناشی از تصرف غیر مشروع است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۰۷/۱۴) البته تصرف به‌ناحق، اعم از «عداون» است؛ چون استیلا بر مال غیر، در حالت جهل یا اشتباه، عدوانی نیست؛ اگر چه غیر حق است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۴۸/۱۲) «ویژه‌خواری» و «رانت»، از مصادیق ظلم در حق دیگران است؛ تعدی و تصرف نامشروعی که فراتر از اینکه عمل ناحقی است، ظالمانه نیز، هست که افراد با تعدی از حدود و ارتکاب آن، موجب تضییع حقوق دیگران می‌شوند.

#### ۴. حرمت تبعیض

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ در این آیه شریفه خدای متعال خطاب به عموم مردم چنین می‌فرماید که ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر

را بشناسید؛ و گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست» (حجرات: ۱۳).

مؤلف مجمع‌البیان، طبق روایتی از امام صادق علیه السلام، چنین می‌نگارد که مقصود از «لِتَعَارَفُوا» این است که درباره شما چنین مقرر کردیم تا برخی از شما برخی دیگر را به واسطه نسب خویش و پدرش و قومش بشناسد و اگر چنین نبود، معاملات فاسد و دنیا خراب می‌شد (طبرسی، ۱۴۰۸: ۲۰۷/۹). با توجه به آیه شریفه و سنت الهی برآمده از آن درباره خلقت انسان، می‌توان چنین گفت که قائل شدن به امتیاز ویژه برای برخی افراد و گروه‌ها، مشروع نیست؛ در همین راستا، در تبیین ممنوعیت اعطای موقعیت‌ها و فرصت‌های بدون استحقاق به برخی افراد، مضمون روایت ذیل نیز، قابل توجه است که «لا فضل لعربی علی عجمی و لا لعجمی علی عربی»؛ که البته مطابق این روایت، سطوح مختلف ممنوعیت تبعیض قابل توجه است؛ گاهی تبعیض در میان جمعی محدود صورت می‌گیرد؛ گاهی در سطح کلان؛ گاهی ممکن است مبنای قومی و نژادی و طائفه‌ای داشته باشد که تمام اشکال آن، ممنوع است.

حرمت «رانت‌خواری» در اسلام، مبتنی بر مرجوحیت تبعیض بین افراد و قائل شدن به امتیاز ویژه برای برخی افراد، ذیل آیات ۲۸ و ۲۹ سوره احزاب قابل استفاده است. چنانکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ذیل این آیه‌ها، برخوردار از امتیازات ویژه را نهی نموده و نهی ظهور در حرمت دارد.

بعد از غزوه بنی قریظه و پیروزی مسلمانان، غنائمی به دست مسلمانان افتاد. گمان برخی از همسران پیامبر، این بود که می‌توانند برای خود سهم ویژه‌ای داشته باشند؛ پس دست به انجام اقداماتی زدند؛ در همین ارتباط، آیه‌های فوق نازل گردید، این آیات بیانگر پیام‌های بسیاری است که از آن جمله، ممنوعیت «رانت‌خواری» در اسلام است. (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله مکارم، سلسله نشست‌های تفسیر موضوعی قرآن کریم، ۲۴/۰۴/۱۳۹۲. <http://makarem. ir/main>).

تبعیض - مبتنی بر قائل شدن به امتیازات ویژه رانتی، برای برخی افراد - موجب تضییع حقوق برخی افراد به نفع دیگران خواهد بود؛ در حالی که گروه نخست، استحقاق ویژه‌ای ندارند؛ بلکه قائل شدن به تبعیض میان افراد و قراردادن شرایط ویژه برای برخی، سبب حصول منافع بیشتر، برای ایشان شده است. در مقابل، دیگران که از چنین موقعیتی برخوردار نیستند، دچار ضرر و خسارت خواهند شد که به حکم عقل نیز، مذموم است.

## ۵. لزوم رعایت انصاف و عدالت‌ورزی

یکی از تعالیم مورد تأکید اسلامی، رعایت «انصاف» نسبت به دیگران است. «انصاف» اسم مصدر از ماده «نَصَفَ» و «نَصْفٌ» و «نَصْفٌ» است که به معنای اعطای حق به دیگری، مثل خود شخص است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۱۵۶/۸) راغب در مفردات، «انصاف» در معامله را «عدالت» شمرده است؛ بدین معنا که از دیگری منافعی را نگیرد؛ مگر مثل آنچه به او داده است و ضرری به او نرساند؛ مگر مثل آنچه از دیگری به او رسیده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۸۰۹) پس، انصاف آن است که حق خودش را بگیرد و حق دیگری را بدهد؛ یعنی به همان اندازه که خودت را مستحق می‌دانی، به دیگری نیز، حق بدهی. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۳۰/۹)

بسیاری از روایات درباره توصیه به انصاف وارد شده که در آنها بی‌انصافی نسبت به دیگران تقبیح شده و از ترک انصاف نهی کرده‌اند؛ در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### ۱. صحیح‌ه معاویة بن وهب

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ يَضْمَنْ لِي أَرْبَعَةَ بِأَرْبَعَةِ آيَاتٍ فِي الْجَنَّةِ أَنْفِقُ وَلَا تَخْفَ فَقْرًا وَأَفْشِ السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ وَاتْرِكِ الْمِرَاءَ وَإِنْ كُنْتَ مُحِقًّا وَأَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۴/۲).

این روایت، به لحاظ سندی معتبر است. در سلسله سند این حدیث، محمد بن یحیی، محمد بن سنان، معاویة بن وهب قرار دارند که به‌غیراز محمد بن سنان بقیه راویان، امامی ثقة هستند و درباره توثیق یا عدم توثیق محمد بن سنان، اختلاف شده؛ اما باتوجه‌به اینکه به ایشان اتهام غلو زده شده، در نهایت صاحب معجم رجال الحدیث نیز، در جمع بندی به رجحان توثیق ایشان حکم می‌کند (خویی، ۱۴۰۹: ۱۶۱/۱۶). از لحاظ دلالت، در این روایت به رعایت انصاف درباره دیگران مثل خود شخص، دستور داده شده است. استعمال صیغه امر در روایت، ظهور اولیه در وجوب دارد؛ اما با توجه به بیان ثواب و ضمانت پاداش بهشتی در ابتدای روایت، وعده پاداش بر الزام به تکلیف، دلالت ندارد.

### ۲. روایت جارود ابی المنذر

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ جَارُودِ أَبِي

الْمُنْذِرِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَةٌ: اِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى لَا تَرْتَضِيَ بِشَيْءٍ إِلَّا رَضِيتَ لَهُمْ مِثْلَهُ وَ مَوَاسَاتُكَ الْأَخَّ فِي الْمَالِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ لَيْسَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ فَقَطَّ وَ لَكِنْ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ شَيْءٌ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ أَخَذْتَ بِهِ أَوْ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ شَيْءٌ نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ تَرَكْتَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۱۴۴).

به لحاظ سندی، در سلسله سند این روایت محمد بن یحیی، حسن بن علی بن فضال، علی بن عقبه و جارود ابی منذر قرار دارند؛ توثیق حسن بن علی بن فضال، محل اشکال است؛ هرچند بنا به دیدگاه برخی، او از اصحاب اجماع شمرده شده است؛ اما در مقابل گفته شده حسن به علی بن فضال، معتقد به امامت عبدالله افطح فرزند امام صادق علیه السلام بود؛ البته در اواخر عمر خویش، از آن اعتقاد برگشته است؛ ولی ممکن است در پذیرش روایات او به لحاظ مشخص نبودن زمان نقل آن اشکال شود؛ در پاسخ به این اشکال، سید محسن امین عاملی در کتاب اعیان الشیعه درباره وی چنین نگاشته که با وجود اینکه تاریخ رجوع حسن بن علی بن فضال از اعتقاد فطحیه، مشخص نیست و مورد اختلاف است؛ ولی این امر، سبب کاستن از اعتبار روایات او چه در زمان فطحی بودن او و چه بعد از آن نیست و لازم نیست در روایات او توقف شود (امین، ۱۴۰۶: ۲۰۸/۵).

از لحاظ دلالت در این روایت، امام علیه السلام برترین اعمال را سه عمل بیان می‌کند که نخستین آنها، انصاف نسبت به دیگران است، به گونه‌ای که برای دیگران نپسندد، جز آنچه برای خویش می‌پسندد. این روایت، اهمیت انصاف ورزیدن نسبت به دیگران را، بیان می‌کند که رفتاری اخلاقی و در مراتب عالی قرار دارد؛ اما در الزام ظهور ندارد. روایت دیگری نیز، از علی بن ابراهیم، به همین مضمون وارد شده است.

### ۳. روایت علوی

«الانصاف افضل الفضائل» (تمیمی آمدی، ۱۴۲۹: ح ۸۰۵).

طبق این روایت، «انصاف»، از برترین ارزش‌ها شمرده شده است.

علاوه بر آنچه در روایات ذکر شد، در آیه ذیل، خداوند امر به عدالت و انصاف کرده است؛

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأُوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ» (انعام: ۱۵۲).

در این آیه خداوند دستور می‌دهد به مال یتیم، جز به بهترین صورت نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد و حق پیمان‌ه و وزن را به عدالت ادا کند و هنگامی که سخن می‌گویید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان شما باشد. استعمال صیغه امر در آیه شریفه درباره رعایت عدل و انصاف نسبت به دیگران، ظهور در الزام دارد. در مجموع، الزام به مراعات عدل و قسط در آیه شریفه و همچنین، تأکید بر رعایت انصاف در روایات متعدد، بیانگر اهمیت و جایگاه برجسته آن و لزوم اهتمام به آن است در مقابل، ترک انصاف و عدالت و ارتکاب «رانت» به عنوان یکی از مصادیق عدم رعایت عدل و انصاف، ممنوع است.

## ۶. مرجوحیت تقدم روابط بر ضوابط

معیار قرارگرفتن روابط به جای ضوابط، از جمله مواردی است که در شرع بسیار از آن نکوهش شده و مورد نهی و منع است؛ نمونه آن برخورد حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام با برادر خویش عقیل است؛ برخورد حضرت با عقیل که در خطبه ۲۱۵ نهج البلاغه بدان اشاره شده که به صورت عملی و قابل لمس با ابزارهای دنیوی، نمونه عذاب جهنم را در قالب آهن گداخته، آماده ساخته و حقیقت امر را، بیان نموده و برای ایشان روشن ساخت که همچنان که هر انسان عاقلی، در مواجهه با آهن گداخته، برای در امان ماندن از آسیب، از آن فاصله می‌گیرد؛ حضرت نیز، خود را در معرض عقوبت جهنم که بسی سخت‌تر از این آتش بازیچه است، قرار نخواهد داد؛ «يَا عَقِيلُ أَتَيْتُ مِنْ حَدِيدَةٍ أَحْمَاهَا إِنْسَانُهَا لِلْعَيْبِ وَ تَجْرُنِي إِلَىٰ نَارٍ سَجَرَهَا جَبَّارُهَا لِعَضْبِهِ»؛ پس مخالفت خود با «رانت خواری» و امتیازات ویژه را نشان داده است؛ آنچه نقل شده، سیره و رفتار امام علی علیه السلام، در این زمینه است؛ نفس سیره، اولاً و بالذات، بر چیزی بیش از اباحه، دلالت ندارد؛ مگر بواسطه قرائن مختلفی که وجود دارد و می‌تواند قلمرو حکم مستفاد از سیره را، به مرز الزام برساند که به نظر می‌رسد در این داستان، چنین قرائتی وجود دارد؛ از جمله آنها، کلام امام علیه السلام است که این انحراف را، موجب عذاب الهی شمرده و خود را در معرض عذاب

الهی، شمرده است؛ چنانچه با توجه به اقدام امام در این مورد، استفاده از «رانت»، به عنوان یکی از اسباب و علل ابتلا به عذاب اخروی محسوب شود، می‌تواند بر ممنوعیت و حرمت، دلالت داشته باشد.

مرجوحیت و ممنوعیت استفاده از روابط به جای تکیه بر موازین قانونی و شرعی، یکی از مسائل مهم در تعاملات اقتصادی است. استفاده نادرست از روابط، برای تحصیل منافع اقتصادی، در تعارض با اصول ارزش‌های مختلف است؛ در حوزه اقتصاد، با رعایت اصل برابری فرصت‌های اقتصادی، منافات دارد؛ در حوزه اخلاق، با رعایت انصاف، معارض است و بطور کلی مانع مراعات معیارهای انسانی و اصل اخلاقی، از جمله نگاه مساوی به عناصر و اعضای جامعه، به‌عنوان یک پیکر واحد است که از حقوق مشابه و مشترک برخوردارند و فراهم کردن اسباب بهره‌مندی انحصاری برخی و در عین حال، ایجاد محدودیت برای برخی دیگر، قانوناً و شرعاً قابل قبول نیست.

#### ۷. حرمت اضرار به دیگران طبق قاعده «لاضرر»

قاعده «لاضرر»، از قواعد مشهور فقهی است که می‌تواند در ابواب مختلف و مسائل فقهی، مورد استناد قرار بگیرد. طبق آنچه در این قاعده بیان شده، ایراد انواع ضرر چه ضرر به خویشان و چه ضرر به دیگری، نفی شده است.

برای اثبات اصل این قاعده، دلیل عقلی و همچنین، مستندات روایی قابل توجهی وجود دارد. دلیل عقلی قابل تمسک درباره قاعده «لاضرر»، حکم عقل، به قبح ظلم است. اینکه مسلمان حق ندارد موجب ضرر به خودش یا دیگری شود، مبتنی بر اصل کلی است که در روایات چنین بیان شده است که «فَأِنَّهُ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» (کلینی، ۱۴۱۳: ۴۷۶/۱۰). مضمون این روایات، از کثرت قابل اعتنایی برخوردار است تا حدی که شیخ انصاری، در رسائل فقهیه خویش، به نقل از فخرالدین حلی در ایضاح، درباره ادله روایی مذکور، ادعای کثرت و تواتر نقل کرده است. (شیخ انصاری، ۱۴۱۴: ص ۱۱۲) با توجه به کثرت روایات و نیز، ادعای تواتر مذکور، به نظر می‌رسد این مضمون، از اعتبار برخوردار است. تعلیل در این روایت، اطلاق

دارد و شامل هر نوع ضرر رسانی شخص به خودش یا دیگران است؛ اقتضای عدم جواز و منع شرعی مذکور، حرمت اسباب و عللی است که موجب ایراد ضرر است. به طور کلی درباره مفاد «لاضرر و لاضرار» می‌توان چنین گفت که اولاً؛ کلمه «لا» در جمله «لا ضرر و لا ضرار»، نافیه است، نه ناهیه؛ علت آن نیز، این است که اصل در نافیه بودن آن است و ورود لای نهی بر جمله اسمیه، خلاف فصاحت کلام است. ثانیاً؛ ضرری که بیان شده به ضرر شخصی اختصاص ندارد، بلکه ضرر نوعی را هم، شامل می‌شود و ثالثاً؛ تمام احکام شریعت اسلام - اعم از تکلیفی و وضعی - مبتنی بر نفی ضرر عمومی و نوعی است؛ پس در مجموعه احکام اولیه اسلام، اصل عدم زیان عامه مراعات شده و در روابط اجتماعی مردم نیز، انجام هر اقدام زیان‌بار درباره مردم، مورد امضای شرع مقدس نیست؛ پس ضرر در اسلام، مشروعیت ندارد. (محقق داماد، ۱۴۰۶: ص ۱۵۰ و ۱۵۱) علاوه بر این، از اطلاقات دیگری که در این قاعده قابل توجه است، عمومیت ضرر و شمول آن از جنبه مادی و معنوی است، به نحوی که وارد ساختن ضرر به دیگران و تعدی به حقوق آنها، اعم از اقداماتی است که موجب تضییع حقوق مادی و معنوی افراد است.

براین اساس، یکی از قواعد فقهی که با تمسک به قاعده و اطلاق آن، می‌توان عدم مشروعیت «رانت» را بدست آورد قاعده «لاضرر» است. طبق این قاعده، ایراد ضرر به دیگران و پایمال ساختن حقوق فردی و اجتماعی دیگران، با استفاده از امتیازات ویژه فراقانونی ممنوع است که از مصادیق آن، استفاده از «رانت» است.

در مجموع ادله فقهی ذیل شامل نهی از ظلم بر عباد، حرمت «اکل مال به باطل»، حرمت «اثم» و «عدوان»، حرمت تبعیض، لزوم رعایت انصاف و عدالت‌ورزی، مرجوحیت تقدم روابط بر ضوابط مورد استناد قرار گرفت که حرمت رانت به خصوص مبتنی بر قبح عقلی و شرعی ظلم و نیز، حرمت کسب مال از راه ابزارهای نامشروع و ناروا و حرمت تعدی و تجاوز به حقوق دیگران و نیز، حرمت تبعیض روشن است؛ علاوه بر اینکه ارتکاب رانت مبتنی بر تقدم روابط به جای ضوابط و عدم رعایت انصاف و عدالت است که از اصول مورد تأکید اسلام است.

### آثار و عواقب مخرب «رانت خواری»

«رانت خواری» آثار منفی متعددی، در ابعاد مختلف به دنبال دارد؛ به طور کلی، آثار سوء «رانت خواری» را می‌توان در قالب چهار دسته پیامدهای اقتصادی، پیامدهای سیاسی، پیامدهای اجتماعی و پیامدهای جرم شناختی، قرارداد که البته برخی از پیامدهای مذکور، در ارتباط با همدیگر است و فساد حاصل از آن، از جهت آثار کوتاه مدت و بلندمدت قابل توجه است. انحراف رانتی، روند رشد و پیشرفت جامعه را در مخاطره قرار می‌دهد؛ در این زمینه، به انحرافات و مفسد ناشی از «رانت» در رکود تولید اقتصادی و رشد اخلاقی اشاره می‌شود.

### رکود تولید اقتصادی

یکی از بنیان‌های توسعه اقتصادی جامعه، تولید و عرضه متناسب با نیازهای واقعی مصرف‌کننده است. برای این منظور، لازم است تولیدکنندگان با شناخت نیازها و ابزارهای لازم، برای برآورده ساختن آن، انگیزه کافی برای فعالیت در این عرصه حیاتی داشته باشند؛ در مقابل از عوامل رکود اقتصادی، وجود «رانت» و امتیازهای بادآورده برای اشخاص یا گروه‌های خاص است که موجب تضعیف انگیزه کار و تولید واقعی و مانع ارج‌گذاشتن به خلاقیت، در ارائه محصول مناسب است؛ نتیجه انحراف روند تولید از مسیر صحیح، آن است که افراد توانمند و با استعداد که توان بر عهده گرفتن مسئولیت تولید و پاسخ به نیاز مصرف‌کننده را دارند، برای بهره برداری و استفاده از سودهای بادآورده، استعداد خویش را نه برای بهبود تولید اقتصادی، بلکه در جهت کسب منافع بیشتر، از طریق «رانت خواری» قرار دهند که گسترش چنین تفکرات و رفتارهایی در جامعه، فرهنگ تولید و اشتغال مولد و کسب درآمد از تولید را آلوده و به سمت نابودی سوق می‌دهد.

### تضعیف رشد اخلاقی

رشد فضائل و کمالات اخلاقی، بر دو محور بنیادین تخلیه و تحلیه استوار است. پس هر کس در مقام تهذیب نفس خویش بر می‌آید، ابتدا لازم است وجود خویش را از موانع پاک نماید تا امکان درک کمال برای او حاصل شود. بعد از طی مرحله نخست، یعنی وقتی آلودگی‌ها



را از خود دور ساخت، می‌تواند برای ترقی در نردبان کمال اخلاقی وجود پاک خود و بی‌آلایش خود را به زینت فضائل آراسته سازد.

بنا به گواهی شواهد تاریخی در قرآن (داستان بلعم باعورا عالم مستجاب الدعوه که میل به دنیا، او را به انحراف و سغوط کشاند) و برخی روایات (خطبه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا خطاب به سپاه عمر سعد: «فَقَدْ مَلِئْتُ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ طَبِعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ» (مجلسی، ۱۳۶۸: ۴۵/۹). اکل مال حرام و پرشدن شکم از حرام، باعث تأثر از باطل و گریز از حق و دوری از فضائل اخلاقی و دچار شدن به انواع رذائل می‌گردد؛ بنابراین، وقتی انسان حدود و موازین الهی و اخلاقی دینی در کسب درآمد را، رعایت نکند، تحت تأثیر لقمه حرام قرار می‌گیرد و دچار تنزل در مرتبه ایمان و اخلاق می‌شود و چه بسا فرد گمراه در موقعیت اثرگذار اجتماعی، موجب انحراف و انحطاط اخلاقی و اجتماعی و جلوگیری از رشد و تعالی جامعه می‌شود.

### تدابیر تربیت اقتصادی

تربیت اقتصادی، در چارچوب ایجاد شرایط و عوامل مناسب مؤثر و رفع موانع محقق می‌شود؛ پس یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری اقتصاد سالم، تمهیدات مربوط به محیط سالم اقتصادی و نیز، مواجهه صحیح با موانع مخل است. برای این منظور، در مقاطع شکل‌گیری روابط اقتصادی و نیز، حین تحقق فرایندها و همچنین هنگام وقوع انحراف، لازم است تدابیر مناسب اتخاذ شود که می‌تواند در قالب روش‌های پیشگیری، نظارت و اصلاح‌گری باشد.

### ۱. پیشگیری از فساد

استفاده از «رانت» و رواج آن که بیماری و مرض مهلک اقتصادی، اجتماعی و نیز، اخلاقی و... می‌باشد؛ تمام سیاست‌گزاران و متصدیان امور جامعه را موظف می‌سازد که برای دفع و رفع ابتلای به «رانت»، چاره‌جویی مناسب داشته باشند.

در این بخش، بسترسازی برای فعالیت اقتصادی مناسب مدنظر است؛ به نظر می‌رسد تلاش برای «فرهنگ‌سازی»، واژه مناسبی باشد. «فرهنگ‌سازی» به معنای تعریف و تنظیم روندها و فرایندهای شایسته‌ای است. افراد به‌راحتی می‌توانند در آن فعالیت مناسب انجام داده و به

مقاصد و اهداف خویش، بدون اینکه دچار انحراف شوند، دست یابند؛ وقتی زمینه‌ای فراهم شود که افراد را به مسیر مناسب که متضمن رعایت عدالت و انصاف نیز هست، سوق دهد، به طور طبیعی، بسیاری از کنشگران اقتصادی، فعالیت خویش را در همین چارچوب تنظیم می‌کنند. علاوه بر این، در کنار فرهنگ‌سازی و تسهیل فرایند صحیح تحصیل منافع اقتصادی که جنبه ایجابی مسأله است، لازم است در جنبه سلبی، اقداماتی انجام شود که بستر جرم را محدود و انحراف از مسیر را هزینه ساز کند؛ در اینجا جرایم و مجازات‌ها مطرح است؛ تنظیم قوانینی که به صراحت انحراف از طی مسیر صحیح را مشخص نموده باشد و جرم‌انگاری دقیق و شفاف اقدامات خلاف قانون و پیش‌بینی مجازات‌هایی که برای متخلفین، بازدارندگی داشته باشد؛ می‌تواند موجب محدود شدن گرایش افراد به استفاده از مسیر کوتاه «رانت» شود.

## ۲. نظارت دقیق بر امور

بخش دیگری از فعالیت روشمند ناظر به تحقق تربیت اقتصادی، نظارت بر روند است. یکی از توصیه‌های حضرت امیر علیه السلام به مالک‌اشتر، گماشتن ناظرانی است که انجام دقیق امور را، زیر نظر داشته باشند و حسن اجرای امور یا انحراف از چارچوب معین شده را، گزارش دهند. نظارت بر حسن اجرای امور، مترتب بر انجام مقدماتی است؛ برای این منظور، لازم است وظایف و مسئولیت‌های افراد، به صورت شفاف مشخص شده باشد، مسئولیت‌ها به افراد متبصر و کاردان که صلاحیت‌های لازم را دارند، سپرده شود. چنانکه حضرت یوسف علیه السلام، هنگام درخواست مسئولیت سرپرستی خزان مصر، به این نکته اشاره دارد: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵) که از ویژگی‌های لازم برای تصدی مسئولیت امور این است که شخص از مهارت و دانش کافی برخوردار باشد. دانش و مهارت، دو عنصر ملازم همدیگرند که با وجود هر دو در کار همدیگر، شخص برای انجام امور توانمندی لازم را دارد؛ و فقدان هر کدام از دو شرط مذکور، در عدم دسترسی به هدف مؤثر است.

علاوه بر آنچه گفته شد، یکی از مقدمات حسن اجرای امور، تأمین نیازهای افراد در سمت‌های مختلف است. نیازها به خصوص نیازهای اساسی و حیاتی که انسان ناگزیر از آن برای خود و خانواده

خویش است، در صورتی که تأمین نشود، فرد آمادگی و انگیزه جدی برای عمل به وظایف و مسئولیت‌ها را نخواهد داشت؛ چون فقدان تأمین نیازهای حیاتی، در موارد بسیاری موجب انحراف و گمراهی است.

### ۳. برخورد قاطعانه با فساد «رانت»

گاهی در روند اجرای امور، انحرافات رخ می‌دهد، نظیر اینکه در اجرای امور، روابط و نسبت‌ها بر ضوابط مقدم می‌شود و افرادی بدون این استحقاق لازم را داشته باشند، با ویژه خواری از برخی موقعیت‌ها و امکانات بهره‌مند می‌شوند؛ وقتی فساد در تصدی امور و برخورداری از ظرفیت‌ها، رسوخ پیدا کرد؛ چه اقداماتی لازم است؟

انسان ممکن الخطا است و استفاده از «رانت» و مسیر کوتاه‌تر که با هزینه و نیروی کمتری، انسان به هدف خویش برسد، برای تحقق اهداف مسیری کوتاه و جذاب است. در این صورت، برای اینکه امور به مجرای خویش برگردد، چه اقداماتی لازم است؟

صرف نظر از اینکه در اینجا در قلمروهای مختلف، اقدامات کوتاه‌مدت و بلندمدت لازم است؛ برای این منظور، لازم است با اتکا بر ابزارهای مختلف، از جمله اقناع افکار عمومی و فراهم ساختن حمایت لازم اجتماعی برای مبارزه با فساد و تبه‌کاری قاطعانه اقدام شود؛ با «رانت خواری» به عنوان عمل مجرمانه برخورد شده و افرادی که موجبات آن را فراهم کردن و مرتکب شده‌اند، مجازات مؤثر شوند. نظام‌های فسادزا که موجب ایجاد امتیازات ویژه است و برای افراد امتیازات خاص تعریف نموده تا برخی افراد از مزایای انحصاری اجتماعی، اقتصادی و غیر آن برخوردار شوند، ملغی شود. بنابراین در حوزه کوتاه مدت، برخورد قاطعانه با منحرفین لازم است؛ باید بر اساس معیار حق و عدالت عمل شود و با هرگونه تبعیض بی‌اساس مبارزه شود؛ افراد به موقعیت‌های مناسب خویش برگردانده شوند؛ چنانکه حضرت امیر علیه السلام بعد از بیعت مردم با ایشان در مدینه فرمودند: «... حَتَّى يَعُودَ أَسْفَلُكُمْ أَعْلَاكُمْ وَ أَعْلَاكُمْ أَسْفَلَكُمْ وَ لَيْسَ بَيْنَهُمْ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرًا وَ لَيْقَصِرَنَّ سَبَّاقُونَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶، ص ۲۴) که حضرت خطاب به حاضران چنین می‌فرماید که لازم است زیور و شوید تا کسانی که پایین قرار

گرفته‌اند بالا قرار گیرند و کسانی که عقب افتاده‌اند، بر دیگران پیشی بگیرند و کسانی که به ناحق پیشی گرفته‌اند، به عقب بازگردند. کسانی که حقوق آنها تضییع شده، مورد دلجویی قرار گرفته و حقوق خویش را دریافت کنند؛ حضرت امیر علیه السلام، اعلام کردند که درباره حق الناس، کوچک‌ترین ملاحظه با کسی نخواهند داشت و اموالی که بواسطه امتیازات نادرست، به برخی افراد رسیده است، اگرچه مهریه زنان خویش قرار داده باشند، از آنها گرفته خواهد شد «وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِ الْإِمَاءَ لَرَدَدْتُهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵، ص ۲۳).

### نتیجه‌گیری

مولد مهم «رانت‌خواری» در جامعه، ضعف و فقر اخلاقی است که باعث فساد اقتصادی و بی‌عدالتی شده است؛ وقتی در جامعه اخلاق اسلامی حاکم نباشد، «رانت‌خواری» و «ویژه‌خواری» رشد می‌یابد. «رانت‌خواری» به‌وسیله ادله (کتاب، سنت، عقل و بناء عقلاً) محکوم به حرمت گردید. همچنین با توجه به آیات و روایات به اثرپذیری اخلاق از مال حرام و لقمه حرام، حکم شد. به‌علاوه، سوءاستفاده از رانت‌های اقتصادی برای کسب سود غیر منصفانه نیز، حرام و ممنوع شد.

پس، «رانت‌خواری» طبق ادله فقهی که بررسی شد، یکی از محرّمات است و کسانی که منافع آنها از این طریق تأمین می‌شود، به دنبال گستردن منافع فساد و انحراف مذکور هستند؛ در عین حال، شیوع آن در جامعه عواقب خطرناکی دارد که از جمله آنها تضعیف روحیه تلاش و کار، افزایش فاصله طبقاتی، ظلم و استثمار در جامعه، توسعه مفاسد اقتصادی و افول حقوق عادلانه شهروندی و نیز، سستی و در خطر قرارگرفتن بنیان اخلاق اجتماعی و خانواده است.

مفسدان اقتصادی از یکسو با ایجاد رخنه در جریان آزاد دسترسی به اطلاعات و فعالیت مستقل مطبوعات و رسانه‌های عدالت طلب فضای مناسبی برای تداوم فساد به وجود می‌آورند و از سوی دیگر با ثروت‌اندوزی و امتیازطلبی، موجب ایجاد محرومیت، برای سایر مردم و تضعیف حقوق شهروندی، در زمینه‌های مختلفی چون حق سلامت، امنیت، رفاه، آموزش، بهداشت و به‌طورکلی حق برخورداری افراد و جامعه از زندگی شایسته و رو به کمال می‌شوند.

تدابیر مربوط به پیشگیری از شیوع این فساد و انحراف اجتماعی شامل موارد مختلف است: جلوگیری از تمام بسترهای زمینه‌ساز ایجاد مفسد و جرائم اقتصادی؛ تعیین چارچوب دقیق نظارت بر تقسیم عادلانه امکانات و ظرفیت‌ها برای عموم واجدان و صاحبان حق و در نهایت برخورد قاطعانه با مفسدان که امنیت روانی و اقتصادی و کیان جامعه را به سوی فساد و ناامنی کشانده‌اند؛ برای این منظور، لازم است بنابر قدرت و اقتداری که در اختیار ارکان مؤثر اجتماع است، حکومت و کارگزاران حکومتی، متصدیان امور آموزشی و اجتماعی و خانواده‌ها، اقدامات لازم قانونی و تربیتی لازم را انجام دهند، به گونه‌ای که آموزش و فرهنگ‌سازی، باهدف اصلاح قوانین و مقررات، افزایش شفافیت و نظارت، بیداری وجدان اجتماعی و ترویج اخلاق در جامعه، تقویت روحیه تلاش و کار، ترویج فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی انجام شود. به طور کلی، راهکار مناسب جهت ایجاد محیط اجتماعی و اقتصادی سالم اسلامی، مقابله با مسأله «رانت‌خواری» در بعد ایجابی با ترویج آموزه‌های قرآنی، توسعه آگاهی نسبت به حقوق اجتماعی دیگران، تقویت تمایل به عدالت ورزی و تسهیل انجام و اصلاح رفتار اخلاقی و در بعد سلبی، مبارزه با زمینه‌های انحراف، نظارت و بستن روزنه‌های شیوع فساد و جرم‌انگاری و مجازات انحرافات رانتی است.

## منابع

\* قرآن کریم

\* نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی*، مترجم: محمد باقر کمره‌ای، کتابچی، ۱۳۹۰.
۲. ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرّم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
۳. ادیب پور، مهدی و کرباسی زاده، سینا، «رانت نفتی و فساد در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال افریقا»، مدل‌سازی اقتصادی ۱۲ (۴): ۴۷-۷۲، ۱۳۹۷.
۴. اراکی، محمد علی، *کتاب البیع*، قم، مؤسسه در راه حق، اول، ۱۴۱۵ق.
۵. اشجعی خامنه، مهدی و همکاران، «واکاوی مفهوم و قلمرو جرائم علیه عفت اقتصادی در رویکرد فقهی»، مطالعات فقه اقتصادی ۲ (۴): ۷۸-۹۲، ۱۳۹۹.
۶. افراسیابی صابر، خوئینی غفور؛ مجتهد سلیمانی، ابوالحسن، *مبانی قانونی و اخلاقی جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران*، ۱۳۹۸.
۷. اکبرآبادی اسماعیل، گرگین و همکاران، «خوانشی بر ابعاد اخلاقی و زوایای جرم‌شناختی رواج پدیده رانت خواری در جامعه»، اخلاق زیستی، ۱۱ (۳۶)، ۱۴۰۰.
۸. امین، سید محسن، *اعیان الشیعة*، دارالتعارف، ۱۴۲۱ق.
۹. پارسا یار، محمدرضا، *فرهنگ فرانسه - فارسی*، تهران، فرهنگ معاصر سوم، ۱۳۹۹.
۱۰. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله مکارم، *سلسله نشست‌های تفسیر موضوعی قرآن کریم*، ۱۳۹۲/۰۴/۲۴. <http://makarem. r/main>.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم*، مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۹ق.
۱۲. حرانی، ابن شعبه، *تحف العقول عن آل الرسول*، قم، چاپ علی‌اکبر غفاری، ۱۳۶۳ش.
۱۳. خامنه‌ای، سید علی حسینی، *دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام*، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲. <https://khl.ink/f/> (۷۶۷۰).
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، *مصباح الفقاهة*، بی‌تا.

۱۵. درویش نوری کلاکی، نسرین؛ عارف نیا، طیبه؛ سلیمی، طاهره، «چالش‌های رانت و فساد سیاسی برای جامعه مطلوب اسلامی یا رویکردی به آرای امام خمینی»، رهیافت ۱۵ (۵۷): ۱۲۵-۱۴۲، ۱۴۰۰.
۱۶. دزفولی، مرتضی بن محمدامین انصاری، *رسائل فقهیه*، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۷. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن الکریم*، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲.
۱۸. شیرازی، ناصر مکارم، *ریا و بانکداری اسلامی*، قم، اول، بی تا.
۱۹. صاحب بن عباد، کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتاب، اول، ۱۴۱۴ق.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، *الخصال*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین نشر الاسلامی، نهم، ۱۳۸۳.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۸ق.
۲۳. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الروضه البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم، اول، ۱۴۱۰ق.
۲۴. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة، اول، ۱۴۱۳ق.
۲۵. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، دوم، ۱۴۱۴ق.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، انتشارات اسوه، ۱۴۲۴ق.
۲۷. قمی، عباس، *سفینه البحار*، دار الاسوه، ۱۳۴۴ق.
۲۸. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۲۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحارالانوار*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۸.
۳۰. معتمد لنگرودی، فاطمه و پرویش، محسن، «بررسی شاخصه‌های اقتصاد سالم و آرمانی

در سیره علوی با تأکید برنامه پنجاه و سوم نهج البلاغه»، بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۶ (۴۸): ۱۷۵-۱۵۱، ۱۳۹۸.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

۳۲. ملک افضلی محسن و یزدان شناس منیره، «سوداگرایی و معنویت در اقتصاد اسلامی با رویکرد آیات الاحکامی قرآن کریم»، پژوهش‌های اخلاقی ۵ (۲)، ۱۳۹۳.

۳۳. می‌دری، احمد، «عدم تقارن اطلاعات منبع رانت»، راهبرد (سیاسی) ۴: ۴۳-۶۲، ۱۳۷۳.

۳۴. یزدی، سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، دوازدهم، ۱۴۰۶ ق.